

۳) «تعهد»: محقق نهاوندی :

«الوضع عبارة عن تعهد الواضع لغيره بأنه لا يتكلم باللفظ الفلانی آلاً عند ارادة تفهيم المعنى الفلانی»^{۱-۲}

مرحوم خوئی و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری نیز همین تعریف را پذیرفته اند.

مرحوم حائری :

«ان يلتزم الواضع انه متى أراد معنى و تعقله و أراد افهام الغير تكلم بلفظ كذا فإذا التفت

المخاطب بهذا الالتزام ينتقل إلى ذلك المعنى عند استماع ذلك اللفظ منه»^۲

مرحوم خوئی :

«ان حقيقة الوضع عبارة عن التعهد بإبراز المعنى الذى تعلق قصد المتكلم بتفهيمه بلفظ مخصوص

فكل واحد من أهل أى لغة متعهد فى نفسه متى ما أراد تفهيم معنى خاص، أن يجعل مبرزه لفظاً

مخصوصاً»^۴

توجه : «تعهد» چندین فرض دارد:

الف. تعهد می کند هر وقت معنی را تصور کرد، این لفظ را بیاورد (این مراد هیچ یک از این سه بزرگوار نیست)

ب. تعهد می کند هر وقت معنی را تصور کرد و خواست آن را تفهیم کند، این لفظ را می آورد (این ظاهر عبارت

مرحوم حائری است)

ج. تعهد می کند هر وقت معنا را تصور کرد و خواست آن را به وسیله لفظ تفهیم کند، این لفظ را می آورد (این

ظاهر عبارت مرحوم خوئی است اگر بلفظ مخصوص را متعلق به «تفهیم» بگیریم ولی اگر آن را متعلق به «ابراز» بگیریم،

مراد مرحوم خوئی، همان احتمال «ب» است)

د. تعهد می کند هر گاه این لفظ را آورد، این معنی این را اراده کرده است. (ظاهر عبارت مرحوم نهاوندی است)

توضیح :

فرض الف، غلط است چراکه چه بسا معنی را تصور می کنیم برای خودمان و بس.

فرض ب، غلط است چراکه چه بسا معنی را به وسیله علامت تفهیم می کنیم.

فرض ج، غلط است چراکه چه بسا معنی را به وسیله لفظ مجازی و با قرائن تفهیم می کنیم.

۱. تشریح الاصول : ص ۲۵

۲. توجه شود که امام این تعریف را به محقق رشتی نسبت داده اند، در حالی که این تعریف مربوط به محقق نهاوندی است و ظاهراً سبق قلم در

عبارت شریف ایشان واقع شده است.

۳. درر الفوائد : ج ۱ : ص ۳۵

۴. محاضرات فى الاصول ؛ ج ۱ : ص ۴۵



فرض د، غلط است چراکه چه بسا این لفظ را به کار می برد برای هدف دیگری غیر از تفهیم معنی

پس برای تصحیح عبارت باید گفت مراد ایشان آن است:

«متکلم تعهد می کند وقتی خواست معنایی را که تفهیم آن را اراده کرده است، «بدون قرینه»، ابراز کند، این لفظ

را بیاورد.»

و برای تصحیح عبارت مرحوم نهایندی نیز باید گفت مراد ایشان آن است که: «متکلم تعهد میکند که اگر لفظی

را برای افهام معنایی به کار برد و قرینه ای نگذاشت، تنها برای افهام این معنی به کار برد»

به هر حال: مرحوم حائری و مرحوم خوئی گفته اند تعهد می کند وقتی که معنی را خواست، لفظ را بیاورد و

مرحوم نهایندی گفته تعهد می کند که وقتی لفظ را آورد، معنی را اراده کند.

اشکال اول امام بر مرحوم نهایندی:

«كما أن التعهد .. ایضا متأخر عن الجعل و التعیین، لأن هذا التعهد هو الالتزام بالعمل بالوضع لا

نفسه .. فالاختصاص و الربط و التعهد كلها غير حقيقية الوضع»^۱

مرحوم خوئی به این اشکال توجه داشته اند و آن را چنین مطرح کرده و جواب داده اند:

«و لكن ربما يشكل بان التعهد و الالتزام حسب ما ارتكز في الأذهان، أمر متأخر عن الوضع و

معلول له، فان العلم بالوضع يوجب تعهد العالم به بإبراز المعنى عند قصد تفهيمه بمبرز مخصوص،

لا انه عينه. و من هنا لا يصح إطلاق الواضع على غير الجاعل الأول، فلو كان معنى الوضع ذلك

التعهد و الالتزام النفساني لصح إطلاقه على كل مستعمل من دون عناية، مع ان الأمر ليس كذلك.

و الجواب عنه ان يقال: انه لو أريد بتأخر التعهد عن الوضع تعهد المتصدى الأول للوضع فذاك

غير صحيح، و ذلك لأن تعهده غير مسبوق بشيء ما عدا تصور اللفظ و المعنى، و من الواضح أن

ذلك التصور ليس هو الوضع بل هو من مقدماته و لذا لا بد منه في مقام الوضع بأى معنى من

المعاني فسر و عليه فنقول: ان المتصدى الأول له بعد تصور معنى خاص و لفظ مخصوص، يتعهد

في نفسه بأنه متى قصد تفهيمه، ان يجعل مبرزه ذلك اللفظ ثم يبرز ذلك التعهد بقوله: «وضعت»

أو نحوه في الخارج.

و مما يدلنا على ذلك بوضوح، وضع الاعلام الشخصية، فان كل شخص إذا راجع وجدانه ظهر له

أنه إذا أراد أن يضع اسماً لولده - مثلاً - يتصور أولاً ذات ولده و ثانياً لفظاً يناسبه ثم يتعهد في

نفسه بأنه متى قصد تفهيمه يتكلم بذلك اللفظ، و ليس هاهنا شيء آخر ما عدا ذلك.

و ان أريد به تعهد غيره من المستعملين، فالأمر و ان كان كذلك - يعنى ان تعهدهم و ان كان

۱. مناهج الوصول؛ ج ۱: ص ۵۸



مسیوقاً بتعهده - إلا إنه لا يمنع عن كونهم واضعين حقيقة، ضرورة ان تعهد كل أحد لما كان فعلاً
اختیارياً له، يستحيل ان يصدر من غيره، غاية الأمر التعهد من الواضع الأول تعهد ابتدائي غير
مسبق بشيء، و من غيره ثانوی و لأجله ينصرف لفظ الواضع إلى الجاعل الأول.^۱

توضیح :

اشکال شده است که تعهد از وضع متأخر است. بلکه علم به وضع باعث پیدایش تعهد می شود.
مرحوم خوئی جواب داده اند : اگر مراد از تعهد، تعهد اولین کسی است که متصدی وضع می شود می گوئیم هیچ چیزی قبل
از تعهد نیست جز آنکه واضع معنی و لفظ را تصور می کند و اگر مراد، تعهد مستمعین است، می گوئیم در این صورت هر کس
از این تعهد مطلع شد (یعنی مطلع شد که کسی لفظی را برای معنایی وضع کرده است) او هم در نفس خود متعهد می شود و لذا
همه در حقیقت واضع هستند با این فرق که عرف به اولین کسی که تعهد کرده است، واضع می گوید.

ما می گوئیم :

عنایت امام به همان تعهد واضع اولی است. ایشان می گویند از نظر تکوینی، انسان ابتدا معنی و لفظ را تصور می کند بعد بین
آنها ارتباط برقرار می کند و بعد متعهد به تبعیت از آن ارتباط (وضع) می شود. این اشکال به نظر کامل می آید.



۱. محاضرات فی الاصول ؛ ج ۱ : ص ۴۷